

بررسی مطالبات شهروندان شمال شهر تهران از پلیس درباره

نظم عمومی و امنیت اجتماعی

اکبر رضازاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۵/۱۶

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۱/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۲/۲۴

چکیده

زمینه و هدف: تأمین نظم و امنیت اجتماعی و پاسخ به نیازهای عمومی جامعه در این باره، نیازمند تعاملات هر چه بیشتر پلیس و مردم، ایجاد و گسترش فضای مشارکت مردمی و نیز گرایش پلیس به استفاده از آرا، نظرات و اندیشه‌های صاحب نظران و دست اندرکاران دانشگاهی می‌باشد؛ این امر میسر نخواهد شد جز اینکه پلیس پیرامون انتظارات و مطالبات مردم مطالعات مستمری داشته باشد تا بدین وسیله قادر به انطباق فعالیت‌ها و اقدامات خود با خواسته‌های شهروندان در زمینه تأمین نظم و امنیت اجتماعی گردد. این تحقیق اساساً در پی تحقق این نکته بوده و نیل به اهدافی چون: افزایش آگاهی و شناخت پلیس نسبت به فرایند نیازها و مطالبات ساکنان شمال تهران؛ ایجاد زمینه برنامه‌ریزی واقع بینانه برای پوشش مطالبات ساکنان شمال تهران و همچنین بر آن است تا از دامنه و سطح مطالبات خانوارهای ساکن شمال تهران بر اساس موقعیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی آنان ابهام زدایی گردد.

روش: روش تحقیق پیمایشی و نوع آن کاربردی است. جامعه و نمونه آماری این تحقیق ۲۶۷ از سرپرستان خانوارهای ساکن شمال تهران هستند که به صورت تصادفی از طریق پرسشنامه در دو مرحله پیش از آزمون و اجرای اصلی مورد آزمون قرار گرفته‌اند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش توصیفی (جدول توزیع فراوانی و شاخص‌های گرایش مرکزی و انحرافی) و روش استنباطی برای تعمیم نتایج از نمونه به جامعه و آزمون فرضیات پژوهش از آزمون‌های فریدمن، تحلیل واریانس و آزمون t یا Z استفاده به عمل آمده است.

یافته‌ها: اقتدار پلیس در انجام مأموریت‌ها، قانون‌مداری کارکنان، کارایی پلیس و هویت مدنی، نوع مطالبات شهروندان از پلیس در انجام مأموریت‌ها می‌باشد. براساس آزمون فریدمن، بین مطالبات شهروندان، بین قانون‌مداری پلیس در انجام مأموریت‌ها از بالاترین و هویت مدنی پلیس بعد از اقتدار و کارایی از کمترین سطح برخوردار بوده است. همچنین بین دامنه مطالبات شهروندان با میزان تحصیلات و موقعیت‌های شغلی، اقتصادی و اجتماعی آنان تفاوت معناداری وجود ندارد و دامنه مطالبات متأثر از موارد مطروحه نمی‌باشد. بین دامنه مطالبات شهروندان از پلیس با وضعیت تأهل و جنسیت آنان رابطه معناداری وجود ندارد. بین دامنه مطالبات شهروندان از پلیس با سن آنان به غیر از مطالبه هویت مدنی که با استفاده از آزمون پیرسون، مشخص گردید دارای رابطه معنادار و مثبتی می‌باشد در سایر مطالبات، رابطه معنادار ملاحظه نگردید.

نتیجه‌گیری: پلیس در انجام اساسی‌ترین مأموریت خود، نیازمند آگاهی از مطالبات شهروندان و انطباق اقدامات خود با نیازهای آنان دارد. قانون‌مداری (عدم توسل به شیوه‌های غیرقانونی) برخوردار از اقتدار (نیروی انسانی مجرب و فن آوری نوین) افزایش کارایی (تعامل با مجامع علمی و آموزش‌های مؤثر) و توجه به رویکرد هویت مدنی (رفتار مناسب با شهروندان و پاسخگویی در قبال مسئولیت) به ترتیب مهم‌ترین مطالبات آنان از پلیس در راستای تأمین نظم و امنیت اجتماعی می‌باشد. **واژگان کلیدی:** نظم و امنیت اجتماعی، سازمان پلیس، مطالبات خانوارها، قانون‌مداری، اقتدار، هویت مدنی، کارایی.

□ استناد: رضازاده، اکبر (تابستان، ۱۳۹۲). بررسی مطالبات شهروندان شمال شهر تهران از پلیس درباره نظم عمومی و امنیت اجتماعی. فصلنامه

مطالعات مدیریت انتظامی، ۱(۲)، ۲۵۳ - ۲۷۹.

مقدمه

نظم و امنیت رکن اساسی کلیهٔ فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی اجتماعی و دینی هر جامعه به حساب می‌آید؛ لیکن تأمین آن همواره و همگام با تغییر و تحولات نیازهای انسانی در حال دگرگونی بوده است. درکشورمان این روش در دوره‌ای از تاریخ مبتنی بر سرکوب متخلفین و بر هم زندگان نظم اجتماعی بوده که نمادی از الگوی حرفه‌گرایی پلیس به‌شمار می‌رفته و در دوره‌ای دیگر پلیس به الگوی مشارکت مردمی توجه بیشتری از خود نشان داده است. بایروری انقلاب شکوهمند اسلامی، حمایت‌ها و پشتیبانی‌های مردمی و قانونی از پلیس در مقابله با برهم‌زندگان نظم و عوامل ایجاد ناامنی، شکاف‌های امنیتی و انتظامی به نوعی ترمیم یافت؛ لیکن پیچیدگی جرائم و گرایش به سمت جرائم سازمان‌یافته که در پی توسعه و پیشرفت جوامع ایجاد شده بود، نیاز سازمان پلیس به رویکردهای علمی کشف جرم و استفاده از آراء و نظرات فرهیختگان دانشگاهی را بیش از پیش بازگو نمود. از طرفی متولیان امور انتظامی کشور همگام با این رویکرد جدید و ایجاد و گسترش فضای مشارکت مردمی از طریق دریافت نظرات آنان و با استفاده از روش‌هایی چون نظرسنجی افکار عمومی از انتظارات و توقعات و خواسته‌های آنان از پلیس در خصوص اصلی‌ترین مأموریت واحدهای پلیسی یعنی تأمین نظم و امنیت عمومی مطلع شدند و درصدد انطباق اقدامات خود با این نیازها می‌باشند. ضمن اینکه بستر برنامه‌ریزی واقع‌گرایانه نیازمند آشنایی با کیفیت، سطح، نوع و میزان مطالبات شهروندان در این باره می‌باشد، این تحقیق اساساً در پی تحقق این نکته اصلی است.

یکی از محورهای اساسی کلیهٔ مأموریت‌ها و وظایف ناجا در سطح کشور اعم از کلان‌شهرها و نواحی کوچک‌تر، مسئله تأمین نظم و امنیت آحاد افراد جامعه می‌باشد. برای نیل به این منظور، یکی از مسائل عمده در هر برنامهٔ راهبردی و سازمانی برای نیروهای تأمین‌کنندهٔ نظم و امنیت اجتماعی در مراکز شهری، آشنایی با کیفیت، سطح و نوع مطالبات و نیازهای شهروندان در این باره می‌باشد. بررسی‌های به‌عمل آمده درخصوص نیازها، انتظارات و کنش شهروندان در قبال موضوع نظم و امنیت اجتماعی به‌دلیل تغییرات متوالی و مختلف آنها در سال‌های اخیر از یک طرف و ورود متغیرهای جدید فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی از سویی دیگر و نیز تنوع و پیچیدگی

این توقعات و خواسته‌های شهروندان، ضرورت مطالعات مستمر پیرامون این مطالبات از سوی پلیس را می‌طلبد تا فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های این سازمان با مطالبات و نیازهای خانوارها در زمینه تأمین نظم و امنیت اجتماعی منطبق گردد.

عاملی که موجب علاقه‌مندی مؤلف به انجام این پژوهش گردید و همیشه به صورت سؤالی در ذهن طرح می‌شد، این بود که شهروندان در زمینه تأمین نظم و امنیت اجتماعی، خواهان چه نوع مطالباتی از پلیس هستند و اینکه اولویت مطالبات آنان که در این تحقیق خانوارهای ساکن شمال شهر تهران می‌باشند، از پلیس در ارتباط با نظم و امنیت اجتماعی، کدام‌ها می‌باشند؟ لذا با انجام این کار تحقیقی، درصدد روشن کردن زوایای مربوط به آن بود.

تأمین نظم و برقراری امنیت از اهمیت خاص و فراوانی در ابعاد مختلف زندگی افراد در جوامع برخوردار می‌باشد. اگرچه نیاز به امنیت از قدیمی‌ترین و عمیق‌ترین نیازهای انسان به حساب می‌آید و شاید در هیچ برهه‌ای از تاریخ، انسان فاقد این درخواست نبوده و برای تأمین و ارضای آن هرگز بیکار ننشسته است. حتی مبالغه‌آمیز نخواهد بود که گفته شود شکوفایی بسیاری از علوم و فنون مرهون چنین درخواستی در وجود انسان‌ها بوده است. امروزه تمام سازمان‌هایی که به نوعی به جامعه و مردم خدمت ارائه می‌دهند، در تلاش هستند تا با ارائه بهترین خدمات از نوع کمی و کیفی، باعث رضایت گیرندگان خدمت یا به عبارتی دیگر، مشتریان خود شوند. از آنجا که فلسفه وجودی سازمان پلیس، حفظ جان، مال، ناموس و آبروی مردم و به عبارتی کلی‌تر، حفظ و تأمین نظم و استقرار امنیت می‌باشد؛ لذا برای نیل به آن، نیازمند این است که مانند سایر سازمان‌ها، تلاش خود را در راستای رضایت آنان معطوف دارد. از طرفی بهره‌مندی از مشارکت مردمی و تعاملات دو سویه و آگاهی به‌اندیشه‌ها و نظرات مردم در زمینه توقعات و انتظارات آنان از دست‌اندرکاران امور پلیسی درباره اصلی‌ترین مأموریت افراد پلیس که همانا حفظ نظم و استقرار امنیت عمومی می‌باشد، ضرورت دارد تا با انجام پژوهش و تحقیق در این خصوص اقدام به برنامه‌ریزی و سازماندهی مطلوب خدمات، تجهیزات و امکانات پلیسی برای عموم مردم نماید. به‌خوبی آگاه هستیم که بستر برنامه‌ریزی‌های جامع و مانع، همراه با دقت و واقعیت به‌منظور پوشش نظم و امنیت اجتماعی برای آحاد شهروندان براساس اطلاعات و داده‌های تجربی و واقعی

آنان به دست می‌آید تا اقدامات و فعالیت‌های پلیسی با مطالبات و نیازهای خانوارها منطبق می‌گردد. ضمن اینکه با انجام امور پژوهشی در این باره و موضوعاتی نظیر آن می‌توان سطوح اثربخشی پلیس را در این زمینه ارتقا داده و از هرگونه اختلالات هنجاری و نمادی در ابعاد اجتماعی و فرهنگی جلوگیری کرد.

با عنایت به اینکه بستر برنامه‌ریزی‌های واقعه‌گرایانه برای آحاد شهروندان به‌منظور پوشش نظم عمومی و تأمین امنیت اجتماعی منوط به اطلاعات و داده‌های واقعی و عینی از آنان می‌باشد تا بدین وسیله زمینه فعالیت‌ها و اقدامات پلیس با مطالبات و نیازهای افراد منطبق گردد؛ لذا این تحقیق در جستجوی تأمین اهداف ذیل می‌باشد:

- ۱- افزایش آگاهی و شناخت از فرایند نیازها و مطالبات خانوارهای ساکن شمال تهران در خصوص تأمین نظم و برقراری امنیت اجتماعی؛
- ۲- فراهم کردن زمینه برنامه‌ریزی واقع‌بینانه برای پوشش مطالبات خانوارهای ساکن شمال شهر تهران در حیطه تأمین نظم و امنیت اجتماعی؛
- ۳- ابهام‌زدایی از دامنه و سطوح مطالبات خانوارهای ساکن شمال تهران از پلیس براساس موقعیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی آنان.

مبانی نظری

عناصر اولیه (مؤلفه‌ها) در نظم اجتماعی

قبل از بیان عناصر اولیه یا مؤلفه‌های نظم اجتماعی، ضرورت دارد در ابتدا به تعریفی از نظم اجتماعی یا به عبارت دیگر تعریفی از استقرار نظم در جامعه بپردازیم تا پس از آن اقدام به شناسایی و بیان عناصر مزبور نماییم:

«از آنجا که نظم در گروه‌های انسانی به معنای آرامش، انتظام و اطاعت است.» (بیرو، ۱۳۷۵: ۳۶۵) در صورت بررسی از این دیدگاه، نظم اجتماعی به معنای اطاعت تمام اعضای یک جامعه از هنجارها، ارزش‌ها و قوانینی است که اساس قوام جامعه را تشکیل می‌دهند. از طرفی این اصطلاح را می‌توان به منظور مشخص ساختن مجموع نهادهای اجتماعی از این نظر که در جهت عملکرد

مطلوب حیات و مناسبات اجتماعی، به خوبی تنظیم شده‌اند، به کار برد. در تعریفی دیگر «نظم به معنی ترتیب‌دادن و آراستن و استقرار نظم عبارت است از فراهم‌نمودن موقعیت و وضعیت مطلوب و شرایط سالم در جامعه، توسط پلیس در چاقوب قانون با هدف صیانت از ارزش‌های معتبر اخلاقی، اجتماعی و حفظ منافع فردی و جمعی است.» (ولیدی، ۱۳۷۸: ۵۲) با توجه به تعاریف فوق، عناصر متشکله استقرار نظم عبارتند از:

۱- آماده‌ساختن وضعیت سالم و شرایط مطلوب در داخل کشور برای انجام هرگونه فعالیت مشروع اجتماعی، اقتصادی، شغلی و ... از طرف مردم در سراسر کشور که ساختن آن از وظایف قانونی پلیس می‌باشد.

۲- هدف از استقرار نظم توسط پلیس کشور، حمایت از ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی، دینی و تأمین منافع و مصالح فردی و اجتماعی است.

۳- قوانین و مقررات مربوط به نظم در زمره قوانین آمرانه و الزامی است و تجاوز به آنها علاوه بر ضرر و زیان فردی ناشی از آن باعث برهم‌زدن وضعیت و شرایط سالم محیط زندگی مردم که لازمه حسن جریان امور می‌باشد. خواهد شد (همان: ۵۳).

۱. استقرار نظم در جامعه، در گرو حسن انجام وظیفه مأموران پلیس است که در سایه همدلی با مردم در جامعه فراهم می‌شود.

تعاملات و تضادها در نظم اجتماعی

قواعد اجتماعی به‌ویژه هنجارها به‌عنوان قاعده زیربنایی به دنبال بسط و تراکم تعاملات اجتماعی به وجود می‌آیند. به بیان دیگر، بر اثر تراکم، بسط و تداوم تعاملات اجتماعی، «حریم اجتماعی» «پیوند اجتماعی» و اجتماع به‌وجود می‌آیند. با ظهور اجتماع، به‌طور هم‌زمان هنجار اجتماعی به عنوان چسبنده‌ترین عنصر اجتماعی ظاهر می‌شود و تعاملات اجتماعی که موجد هنجارها هستند، به لحاظ تحلیلی در یک طبقه‌بندی چهارگانه شامل تعاملات عاطفی (اجتماعی)، تعاملات قدرت، تعاملات مبادله‌ای و تعاملات گفتمانی قرار می‌گیرند. این چهار نوع تعامل به ترتیب مسئول اصلی چهار نوع اجتماع یعنی اجتماعی طبیعی، اجتماع سیاسی، اجتماع اقتصادی و اجتماع اخلاقی هستند. هرکدام از این چهار نوع اجتماع دارای میزان نظم‌پذیری و نظم‌دهندگی و در واقع پایه اصلی

سایر اجتماعات است. در میان آنها، اجتماع طبیعی دارای بالاترین مرتبه نظم است. اجتماع طبیعی حاوی کمترین پیچیدگی نمادی و کمترین حدوث کنش است و اجتماع طبیعی است که منشأ اصلی ظهور هنجارهای اجتماعی می‌باشد. اجتماع طبیعی نسبتاً بسته است و اثر انسدادی روی نظم اجتماعی دارد (چلبی، ۱۳۷۵: ۹۸-۹۳) خواهد شد.

مفاهیم نظری

امنیت: امنیت واژه‌ای عربی از ریشه «امن» است و تعاریف گوناگونی که تقریباً معانی یکسانی را می‌رساند، از آن به دست آمده است. در فرهنگ فارسی عمید، امنیت به: «در امان بودن، ایمنی، بی‌ترسی، آرامش و آسودگی» معنی شده است (عمید، ۱۳۷۷: ۲۵). در فرهنگ فارسی معین، امنیت به «ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی» معنی شده است (معین، ۱۳۷۱: ۱۵۷). در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، امنیت به: «در حفظ بودن، فراغت از خطر یا اضطراب و تشویق» معنی شده است. همچنین امنیت^۱ در فرهنگ علوم سیاسی، چنین تعریف شده است:

۱- تضمین ایمنی، یعنی قرارهای تنظیم سیاسی برای کاهش احتمال بروز جنگ، برقراری مذاکره به جای محاربه و قصد حفاظت از صلاح به‌عنوان شرط طبیعی بین دولت‌ها.

۲- مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و دورماندن از مخاطرات و تعدیات به حقوق و آزادی‌های مشروع (آقا بخشی، ۱۳۶۳: ۳۸۴).

مفهوم امنیت: واحدهای سیاسی بیشتر از هر چیز به امنیت خویش اهمیت می‌دهند، زیرا این امر منعکس‌کننده توانایی بقا به عنوان واحدهایی مشخص است؛ بنابراین امنیت (ملی) مسئولیت اولیه حکومت به‌شمار می‌آید. به این جهت اهمیت بدیهی این هدف با تعریف قابل اعتماد از این مفهوم پیوند نخورده است. در نتیجه سیاستمداران به‌صورت مختلف آن را مطرح می‌سازند بدون آنکه با آزمایش‌های سخت منطقی و استدلالی روبه‌رو شوند، جایگاه امنیت به عنوان یک ارزش سیاسی بحث‌انگیز و استعمال بد آن به‌طور معمول به‌عنوان یک اصل، تحقیقات دانشگاهی را متوقف نموده و از این رو به عنوان یک مفهوم، ارزش ذاتی ندارد. در نتیجه، امنیت در نظر باری بوزان^۲ یک

1. Security

2. BorryBuzan

مفهوم توسعه‌نیافته است و جا دارد تا به عنوان مفهوم قدرتمندتر و مفیدتر از شأن و منزلت فعلی آن شناخته شود (زاهدی، ۱۳۷۵: ۱۳۸). بوزان پنج تبیین ممکن را برای پیشرفت ضعیف مفهوم امنیت به دست می‌آورد:

اول، اینکه امنیت با تعاریف ساده در ضدیت است و « ضرورتاً » مورد بحث و جدل قرار دارد (گرچه وی خاطر نشان می‌کند بحث‌انگیزی موجب نمی‌شود تا مفاهیمی از این دست مثل « قدرت » و « دولت »، مورد بحث زیاد قرار نگیرند).

دوم، اینکه در نظر اندیشمندان مکتب واقع‌گرایی که در نظریه روابط بین‌الملل دارای سابقه هستند، قدرت مفهوم مسلط بوده و امنیت صرفاً پیامد طبیعی انباشت و اعمال مؤثر قدرت است. سوم، از آنجایی که امنیت به عنوان یک مفهوم (البته با رشد ضعیف) به مکتب واقع‌گرایی متصل است، از این رو از خلال وابستگی به آن دچار خطا بوده و توسط کسانی که با این مکتب در چالش هستند، مورد غفلت قرار گرفته است.

چهارم، همان‌طور که نقد واقع‌گرایی، رهیافت‌های جدید روابط بین‌الملل را تشویق نموده و یکی از مهم‌ترین آن مکتب « وابستگی متقابل » است، بعد نظامی امنیت که طبیعتاً با آن در ارتباط می‌باشد، در مقایسه با بعد اقتصادی به شدت در حاشیه قرار گرفت، در عین حال بررسی‌های راهبردی با یک تمرکز نظامی و محور قرار گرفتن امنیت، زمان کمی به توسعه مفهومی اختصاص داده و انرژی‌های آن توسط فناوری‌های جدید یا مناظرات سیاسی تحلیل می‌رود. در نهایت بوزان اظهار می‌دارد که « سیاستگذاران از اینکه این مفهوم را مبهم و نامشخص نگه دارند، کاملاً خوشحال هستند، چرا که در حمایت از اهداف متنوع، بهتر می‌توان بدان تمسک جست » (بوزان، ۱۴۰: ۱۳۷۸).

«ژان برن» دانشمند بزرگ فرانسوی، یکی از نعمت‌های بزرگ و مهم را امنیت می‌داند، همچنین ماده یک اعلامیه حقوق شهروندان فرانسه، امنیت را به عنوان یکی از ارزش‌های چهارگانه و بزرگ معرفی کرده است.

«آبراهام مازلو» در سال ۱۹۴۳ در تئوری انگیزش خودش، جایگاه امنیت را جایگاهی خطیر در سلسله مراتب نیازها و انگیزه‌های آدمیان دانسته و پس از نیازهای فیزیولوژیک مانند گرسنگی،

تشنگی و غیره بلافاصله «نیاز ایمنی و امنیت» را ذکر کرده است.

رابرت ماندل^۱ در این باره می‌نویسد: «امنیت به لحاظ مفهومی چهره‌ای متغیر دارد. از همین رو ارائه تعریفی کامل از امنیت، مستلزم بررسی و تحقیق در خصوص مفاهیم کلیدی چون قدرت، تهدید و اتحادهاست» (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۴-۴۵).

استاد «عمید زنجانی» مفهوم امنیت را مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت می‌داند و در مورد افراد برای این عقیده است که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید (عمید زنجانی، ۱۳۷۵: ۵۴۸).

ویژگی‌های امنیت:

۱- امنیت جامع است؛ یعنی هر حوزه‌ای را که برای اداره امور جامعه ضروری است در برمی‌گیرد. علت آن نیز بدین جهت می‌باشد که فرد یا جامعه از تهدید و خطر مصون باشند و ناامنی نیز حالتی است تهدیدآمیز که در معرض خطر بودن را القا می‌کند و خطر یا همان عاملی که وجودش سلب‌کننده امنیت است، در برگیرنده عوامل یا وضعیتی است که مخل بر وجود و کمالات آن باشد، البته عوامل متعددی چون زمان، ایدئولوژی، اوضاع و احوال بین‌المللی، موقعیت کشور و دیدگاه رهبران در میزان امنیت و نحوه آسیب یا حفظ آن مؤثر است.

۲- امنیت تجزیه‌ناپذیر است؛ یعنی فقدان امنیت در هر بعد از ابعاد آن به کل امنیت صدمه می‌زند. در این باره، مفهوم «خودی - دیگری» مهم‌ترین پایه دربار معنایی امنیت است که در سطح کلان امنیت ملی این امر بسیار حائز اهمیت و حیاتی است. «خودی» کسی است که به اهداف ثابت امنیت ملی شامل پنج مقوله تمامیت ارضی، رفاه و آسایش و تأمین اجتماعی، حیثیت بین‌المللی، حفظ و افزایش قدرت فیزیکی و استقلال و خودکفایی معتقد است. «دیگری» در دو قسم درونی (که در راهبرد امنیتی داخلی اثر می‌گذارد) و بیرونی (که به راهبرد امنیت ملی مربوط است).

۳- امنیت، ذاتی است؛ ذاتی هم به معنای عدم نیاز به علت و دلیل وهم به معنای ضروری و نیاز

غیر قابل رفع و ویژگی ناگزیر و غیر قابل گریز می‌باشد، لذا امنیت یعنی مصونیت و نیاز به مصونیت، عامل مصونیت و مدافع آن می‌باشد.

۴- محدود بودن امنیت به عدالت که مقدم بر همه امور است، این ویژگی در نظام حکومتی اسلام، شامل احکام الهی، رعایت حق و قسط و مسئولیت متقابل حاکم و ملت و انصاف و شفقت بر خلق و مانند اینها می‌باشد.

۵- ضریب همبستگی امنیت با سایر شئون حیات اجتماعی و فردی انسان: این ویژگی تابع سطوح امنیت است نه بالعکس. تقدم امنیت به عنوان یک نعمت که ارزش و منزلت آن مجهول می‌باشد به سایر نعمت‌ها، امری غیر قابل تردید است. به تعبیری دیگر، نسبت امنیت به سایر شئون مانند نسبت روح به جسد است.

۶- امنیتی پدیده‌ای ادراکی و احساسی است که برای شناخت آن می‌بایست به «ناامنی» توجه کرد. ادراک^۱ عمدتاً خصلت نظری و انتزاعی و ذهنی دارد. این جنبه از ادراک را «درک مفهومی» می‌نامند. جنبه حسی و عینی تر ادراک همان احساس است. در افراد مختلف، احساس‌ها به طور طبیعی متنوع است و به لحاظ اینکه در انواع روابط اجتماعی تا چه اندازه منتفع یا متضرر می‌شوند، این احساس طیفی از احساس ناامنی شدید تا احساس امنیت زیاد را تشکیل می‌دهد.

۷- نسبی بودن امنیت^۲: «امنیت از لحاظ ماهیتی، مفهوم نسبی است لذا نمی‌توان یک تعریف مطلق از آن ارائه کرد». هر نوع تحلیلی امنیت لزوماً برون‌گراست و رابطه‌ای مستقیم با تشخیص و ارزیابی از تهدیدهای بیرونی دارد. در عین حال این تحلیل، ناظر بر درون نیز هست؛ زیرا تهدیدهای بیرونی، همواره از بستر آسیب‌پذیرهای درونی ریشه می‌گیرند؛ لذا طراحی هر گونه «سیستم امن» مستلزم شناخت ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل تهدیدهای داخلی - خارجی و همزمان نیازمند سنجش ابعاد، صفت‌ها، قوت‌ها، محدودیت‌ها و مقدورات «خودی» است (تاجیک، ۱۳۷۶: ۴۹-۵۳)

اقسام امنیت: قبل از بیان این مبحث لازم است تا مذاقه‌ای در باب امنیت اجتماعی که یکی از

سطوح امنیت را تشکیل می‌دهد، داشته باشیم. درباره امنیت اجتماعی تعاریف مفهومی متعددی صورت گرفته که در ذیل به دو مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

- امنیت اجتماعی تأمین بخشی از وظایف ایجابی دولت در تأمین امنیت است که توسط نیروی انتظامی به عنوان نماینده‌ی قانونی دولت در قالب وظایف و مأموریت‌ها، صورت می‌پذیرد تا موجب مصونیت (فقدان جرم و جنایت) و آسودگی خاطر (احساس امنیت) اعضای جامعه در فعالیت‌های روزمره اجتماعی، محل‌های کسب و کار و تردد، زندگی خصوصی، حفظ ارزش‌های دینی و ملی، تأمین بخشی از رفاه و آسایش و در نهایت ارتقای منزلت اجتماعی آنان در شبکه‌ی تعاملات اجتماعی گردد. (کریمایی، ۱۳۸۹: ۳-۴)

- امنیت اجتماعی دلالت بر مجموعه سیاست‌ها و راه‌کارهایی دارد که هدف از آن، اطمینان خاطر اولیه و نسبی برای افراد و ارتقای منزلت اجتماعی آنان در تعاملات و شبکه‌ی روابط اجتماعی می‌باشد. (افتخاری، ۱۳۸۴: ۲۶)

نظر به اهمیت موضوع فوق؛ جا دارد که آن را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهیم:

الف- امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم: آیه ۵۵ سوره نور، هنگامی که تحقق جامعه نورانی و آرمانی را به مؤمنان و صالحان بشارت می‌دهد، یکی از ویژگی‌های آن را تحقق امنیت و فقدان ترس و هراس معرفی می‌کند. آیه یکصد و دوازده سوره نحل، ضمن بیان یک تمثیل، امنیت را به‌عنوان یکی از دو شاخصه مهم ذکر می‌فرماید و به هنگام رفتار کفرآمیز، یکی از دو نعمت مهمی را که سلب می‌نماید، امنیت است. این نکته، بیانگر این واقعیت است که امنیت یکی از مهم‌ترین جلوه‌های رضایت خداوندی و فقدان آن یکی از جلوه‌های غضب اوست.

ب- امنیت اجتماعی از نگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: در قانون اساسی کشورمان، بیش از سی اصل قانونی صریحاً و به‌طور مستقیم به این موضوع اشاره دارد که برخی از آنها به شرح ذیل می‌باشد:

❖ اصل ۲۲: حیثیت، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

❖ اصل ۲۳: تفتیش عقاید ممنوع است و کسی را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض

و مواخذه قرار داد.

❖ اصل ۳۲: هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل، طبق مجازات می‌شود.

❖ اصل ۳۹: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده ممنوع و موجب مجازات است.

ج- امنیت اجتماعی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره): شواهد زیادی در سخنان و کلمات ایشان وجود دارد که حضرت، نسبت به مواظبت از امنیت اجتماعی و تلاش برای مقابله با عوامل ایجاد ناامنی حساسیت زیادی داشته‌اند که در اینجا به فوازی چند از این موارد اشاره می‌گردد:

۱- نباید با مردم طوری کرد که مردم در خانه‌هایشان مطمئن نباشند، در زندگی‌شان، در تجارتشان و در کسب شان، مطمئن نباشند. دولت اسلامی باید مردم را مطمئن کند در همه چیز، در همه چیز، مردم در آرامش باشند و دولت ابداً نمی‌تواند تادی کند به آنها و نباید تادی کند و اگر کسی چنین کرد تاذیب خواهد شد (الموسوی الخميني، ۱۳۷۶: ۱۶۱).

۲- هیچ کس، حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی، بدون اذن صاحب آنها وارد شود، یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه، تعقیب و مراقبت نماید و با نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی - اسلامی مرتکب شود. یا به دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید (همان: ۱۴۲).

د- امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری: مقام معظم رهبری در زمینه اهمیت و نقش امنیت اجتماعی در زندگی فردی و اجتماعی و لزوم پاسداری از امنیت و مقابله با عوامل ناامنی، بیانات فراوانی داشته‌اند که در اینجا پاره‌ای از آنها را بیان می‌کنیم:

۱- امنیت، نعمت بزرگی است، در قرآن هم راجع به امن و امنیت سخن رفته است. در هر جامعه‌ای، زمینه لازم برای پیشرفت‌های مادی و معنوی، امنیت است. شرط حرکت عظیم اجتماعی برای یک ملت در درجه اول، امنیت است (خامنه ای، ۱۳۷۹: ۶۷)

۲- امنیت داخلی، طیفی وسیع از تلاشی است که اگر همه مسئولان ذی‌ربط با همه توان خود کار نکنند، خواهند توانست این خواسته بزرگ را تأمین کنند، لذا امنیت چیز کمی نیست. اگر امنیت نباشد، فعالیت اقتصادی هم دیگر نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، عدالت اجتماعی هم نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، دانش و پیشرفت علمی هم نخواهد بود و اگر امنیت نباشد، همه رشته‌های یک مملکت به تدریج از هم گسسته خواهد شد؛ لذا امنیت پایه و اساس است (سخنرانی مقام معظم رهبری در اجتماع مردم مشهد در نوروز سال ۱۳۷۹).

برداشت از امنیت اجتماعی در نظریه جامعه‌شناسی نظم چلبی

امنیت اجتماعی از طریق پیگیری حوادث بی‌ثبات قابل سنجش است که در ارتباط با پایگاه اجتماعی افراد، نقش‌ها و منزلت اجتماعی قابل شناخت خواهد بود. (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۰۱) سطح تحلیل امنیت اجتماعی نیز ممکن است خرد و یا کلان (امنیت ملی) باشد. از چهار بعد می‌توان امنیت اجتماعی را مورد مطالعه قرار داد که عبارتند از:

- ۱- رفاه و بهزیستی؛ ۲- فقدان جرم و جنایت؛ ۳- اعتماد و سرمایه اجتماعی؛ ۴- حفظ هویت.
- چلبی در مفهوم سازی امنیت آن را در چهار بعد تقسیم بندی می‌کند او معتقد است چهار علقه افضل و عامل برای انسان وجود دارد که می‌توان آنها را از هم تفکیک کرد؛ علقه شناختی، علقه مادی، علقه اجتماعی و علقه امنیتی. به اعتقاد چلبی چنانچه نظم اجتماعی در جامعه‌ای بیشتر صبغه سیاسی به خود گیرد و ابعاد و اجتماعی آن ضعیف شوند، یعنی ضعف در اجتناع عام و وفاق اجتماعی عام به همان نسبت به روابط بین کنشگران در تمام سطوح براساس سوگیری عاطفی و خاص‌گرا به صورت دوست و دشمن تعریف می‌شود و به همان نسبت، میزان اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم یافته، تضعیف گشته و علقه امنیتی آن‌ها برجسته می‌گردد. در چنین نظامی افراد و گروه‌ها احساس امنیت مالی، جانی، فکری و جمعی نمی‌کنند. در چنین وضعیتی در غیاب طراوت فرهنگی و اجتماعی، انسان‌ها جهت پاسخگویی به نیازهای خود اجباراً به صورت حیوانات سیاسی با یکدیگر رابطه برقرار می‌نمایند؛ رابطه‌ای که بیان هگلی ارباب و نوکری است و ملاک حق نیز زور است. وی برای علقه امنیتی چهار بعد اساسی قایل شده که عبارت است از: ۱- امنیت مالی؛
- ۲- امنیت جانی / بهداشتی؛ ۳- امنیت جمعی / گروهی؛ ۴- امنیت فکری. (همان: ۷۶)

جدول ۱. چهار بعد علقه امنیتی

امنیت مالی A		امنیت جانی G
	علقه امنیتی	
امنیت فکری L		امنیت جمعی I

امنیت در یک تقسیم‌بندی و از جهت اینکه بتواند ما را در تبیین مفهوم امنیت اجتماعی یاری‌گر باشد به شرح زیر تبیین می‌گردد:

- امنیت به اعتبار درونی و بیرونی که از این جهت به دو قسم ذهنی و عینی قابل تقسیم می‌باشد: امنیت ذهنی عبارت است از احساس آرامش، طمأنینه و سکونت قبلی و حالت فراغت از هر گونه ترس و هراس و اضطراب. امنیت عینی عبارت است از وضعیتی که ارزش‌های حیاتی در آن از هرگونه تهدید و تعرض مصون هستند و هیچ خطری آنها را از داخل و خارج تهدید نمی‌کند.

امنیت شهری: با کمی تأمل در اقسام امنیت، به ویژه امنیت از حیث عناصر ذی‌نفع که خود به دو قسم امنیت فردی و امنیت عمومی تقسیم می‌شود و نیز از حیث امنیت به لحاظ موضوع که به هشت قسم تقسیم‌بندی گردیده، می‌توان گفت که امنیت شهری تمام مصادیق مربوط به امنیت فردی مانند جان، مال، آبرو، ناموس، شئون اجتماعی و حیثیت انسانی افراد که می‌بایست از هرگونه تعرض و تهدید مصون باشند و امنیت عمومی که مصادیق آن مواردی چون نظم اجتماعی، تنظیم عبور و مرور، امنیت راهها، فقدان هرج و مرج و تأمین اجتماعی هستند را دربر می‌گیرد. ضمن اینکه، امنیت جانی، مالی، شغلی و قضایی آحاد شهروندان در زمره مباحث مربوط به امنیت شهری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

مؤلفه‌های امنیتی مؤثر در امنیت شهری بیشتر تحت تأثیر تحولات فناوریک به ویژه از زمان جنگ جهانی اول تاکنون بوده است. چرچیل در کتاب « پیروزی » می‌نویسد: « شهرهای امن جنگ جهانی اول در جنگ جهانی دوم ناامن بودند » (پور موسوی، بختیاری پور، ۱۳۸۱: ۷۲) صرف نظر از تمرکز ارکان قدرت ملی در شهرها، حفاظت از جان شهروندان به منزله اصلی‌ترین وظیفه دولتها، اهمیت دفاع شهری را یادآور می‌شود. از دیدگاه امنیت شهری، برخی از مسائل مانند مهاجرت روستایی، آلودگی‌های هوا، میزان بالای بیکاری، بالا بودن امراض در نتیجه آلودگی‌های هوایی و

صوتی و نیز نارسایی حمل و نقل عمومی و تجهیزات شهری، ممکن است به ناهنجاری‌هایی تبدیل شوند که نتیجه آن معضلات امنیتی و چالش‌های جدی شهرها باشد. «در بررسی‌های به عمل آمده، امنیت شهری دو جنبه داخلی و خارجی دارد» (همان: ۷۴)؛ به عبارت دیگر، امنیت شهری از دو روزه با تهدید روبه‌روست که عدم تعادل‌های ناشی از آن می‌تواند موجب بروز مشکلات متعدد شود. تهدیدات خارج از مرزهای سیاسی امنیتی که امنیت یک شهر را به خطر انداخته و حیات عادی شهر را دستخوش تغییرات اساسی می‌نماید، از این تهدیدات، تحت عنوان جنبه خارجی امنیت شهری یاد می‌کنند، مواردی چون حمله مستقیم زمینی، حملات هوایی و موشکی در این حیطه هستند. از سویی، امنیت یک شهر می‌تواند از درون فضای شهری و نواحی پیرامونی آن (حوزه‌های نفوذ شهری) نیز تهدید شود که این مورد با جنبه‌های داخلی امنیت شهری مرتبط است. در این حیطه، مواردی چون ناآرامی‌های شهری، جنگ مسلحانه شهری، خرابه‌کاری و اغتشاش که بیشتر بر اثر نبود تعادل عوامل امنیتی در واحد ملی و بروز شرایط مساعد برای چنین نمودهایی پدید می‌آیند، می‌گنجد.

هویت مدنی سازمان پلیس تغییرات ماهوی دولت و جامعه در جهان جدید و تمایز آن با رویکردهای سنتی، رابطه دولت‌ها و جوامع را دگرگون ساخته و اساس این رابطه را پدیده‌ای به نام شهروندی^۱ تشکیل می‌دهد. شهروندی از یک سو متضمن حقوق و امتیازات و از سویی دیگر واجد وظایف و تعهداتی است. مرجع تعریف و تفکیک این وظایف و تعهدات را قانون اساسی کشورها تعریف کرده و در چارچوب کاری عملی و رفتار شهروندان و دستگاه‌های دولتی می‌باشد.

تی.اچ. مارشال^۲ حقوق شهروندی را به سه نوع حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌نماید. در این نگاه حقوق مدنی شامل بازداشت قانونی، آزادی بیان و اندیشه و عقیده، برخورداری از حق رأی، مشارکت سیاسی و حق اعتراض می‌باشد. حقوق اجتماعی، نیز شامل حق آموزش رایگان، تفریح و سرگرمی و مراقبت‌های بهداشتی می‌باشد (شاکری، ۱۳۸۱: ۳۳) شهروندان در مقابل این حقوق که دولت و نماد تأمین این حقوق یعنی سازمان پلیس مسئول پاس داشت و تدارک

1. Citizenship

2. Local police

تمهیداتی برای تحقق آنهاست، وظایف و تعهداتی دارند که مهم‌ترین آنها، حمایت از دولت، همکاری با سازمان‌ها و مراکز دولتی و مشارکت اجتماعی است. با وجود کارکردهای مختلف پلیس مانند جلوه اقتدار نظام سیاسی، مقابله با متخلفان و قانون شکنان و جلوه قدرت مشروع در عرصه اجتماع، در صورت تأکید صرف بر کارکردهای سنتی نظیر برخوردهای خشن، مجازات محض و مهار جنایت، از کارآیی، نفوذ و اقتدار پلیس کاسته خواهد شد و این امر مانع از تعامل پلیس با مشکلات واقعی مردم خواهد شد. برای جلوگیری از این مسئله، پلیس به غیر از وظایف سنتی خودش، نیازمند نگاهی نو، بهره جستن از رویکردهای نوین در امر تعامل با اجتماع می‌باشد و این امر همان هویت مدنی و اجتماعی پلیس را بیان می‌کند. در این بعد، پلیس عمدتاً^۱ در حیطة عمل و رفتار تحت نظر قرار می‌گیرد، بدین معنا که پلیس با حفظ هویت سازمانی خود و با توجه به نوع فعالیت، وارد حوزه عمومی شده و با شهروندان در فعالیت‌های مدنی و اجتماعی مشارکت می‌جوید. از وجوه و کارکردهای بارز مدنی پلیس می‌توان به پاسخگویی به دریافت کنندگان خدمات پلیس، داشتن تعامل ارتباطی با مردم و شهروندان و پلیس محلی^۱ اشاره نمود. در وجه اول، حوزه پاسخگویی پلیس سه قشر ارباب رجوع، همکاران، سازمان‌ها و مراکز و بالاخره کلیت جامعه را در برمی‌گیرد که جنبه سوم در گفتمان‌های امروزی از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. در وجه دوم، دغدغه افراد پلیس، برقراری، حفظ و توسعه ارتباطات با مردم برای انجام وظایف و مأموریت‌های پلیسی که همانا حفظ نظم و امنیت عمومی است، می‌باشد. در وجه سوم، پلیس محلی همان غلبه هویت مدنی پلیس برشان دولتی و قدرتمندانه آنان است. همدلی با مردم، در دسترس بودن و مشارکت پلیس در امور عمومی از ویژگی‌های اساسی این بعد از هویت پلیس می‌باشد.

کارآیی پلیس: کارآیی عبارت است از به حداقل رساندن ضایعات، هزینه‌ها یا تلاش غیر ضروری، کارآیی منجر به افزایش نسبت خروجی به ورودی می‌شود. کارآیی به معنای درست انجام دادن کارهاست. کارآیی و افزایش آن در سطح مأموریت‌های پلیس به عوامل زیادی بستگی

1. Local police
2. Police efficiency

دارد که در اینجا به تعدادی از مهم‌ترین عوامل اشاره می‌گردد:

- الف - بهره‌گیری بیشتر از توان علمی و فناوری روز در کشف جرایم و مقابله با آنها؛
 ب - استفاده از نیروهای تخصصی در بخش‌های مختلف پلیسی، به ویژه آنجا که پلیس اساسی‌ترین مأموریت را به عهده دارد و آن هم تأمین نظم و امنیت اجتماعی می‌باشد.
 ج - برخورداری از مهارت و کاردانی لازم به منظور سرعت در کشف و کنترل جرایم و تأمین نظم و امنیت شهری

د - ارتقای سطح مبانی اعتقادی و فرهنگی و نیز برقراری ارتباط صمیمی و تنگاتنگ با شهروندان
اقتدار پلیس: از آنجا که سازمان پلیس به علت سطح گسترده حوزه فعالیت در ابعاد امنیتی و انتظامی از اهمیت خاصی برخوردار است، لذا اقتدار جزء لاینفک حیات سازمانی آن خواهد بود و تا حد قابل توجهی نقش و جایگاه آن را تحت تأثیر قرار خواهد داد. زیرا در جامعه‌ای که امنیت در آن از نقش بالایی برخوردار است و در صدر برنامه‌های هر حکومتی قرار دارد، قطعاً پلیس که در جهت برقراری امنیت اجتماعی برنامه‌ریزی و تلاش می‌نماید، از جایگاه و نقش ویژه‌ای برخوردار است.

اقتدار پلیس عبارت است از: هنر و علم نفوذ در مردم جامعه به منظور برقراری نظم و امنیت در تبعیت از خط مشی‌ها و تدابیر نظام جمهوری اسلامی ایران به شکلی که مردم با میل و رغبت و خواسته خود به منظور نیل به هدف‌های تعیین شده پلیس گام برداشته، همکاری و تشریک مساعی لازم را با آن به عمل آورند. نظر به اهمیت فراوان اقتدار، در میان ویژگی‌های پلیس به مبانی اقتدار در این سازمان اشاره می‌نماییم:

ابراهیم متقی در یک پروژه تحقیقی تحت عنوان «کاربردی کردن اقتدار ناجا» مبانی اقتدار را

چنین بیان می‌کند:

- ۱- قدرت ارائه خدمت به مردم به انحاء و اشکال مختلف؛
- ۲- قدرت برخورد با متخلفین با توجه به فعالیت و حرکتهای مخل آنان در جامعه؛
- ۳- قدرت مرجعیت یعنی پذیرا شدن از طرف مردم و احراز دستورات آن با جان و دل؛
- ۴- قدرت قانونی یعنی به کارگیری قوانین و مقررات لازم به عنوان راهنمای رفتار سازمانی که

پشتوانه عملکرد و اقتدار پلیس به حساب آید؛

۵- قدرت مهارت یا توانایی‌های لازم برای انجام وظایف محوله .

قانون مداری پلیس: قانون در مورد پلیس در اوج اهمیت سازمانی آن قرار دارد، چون از یک سو با مسئله مجازات و حقوق شهروندان و از سوی دیگر با قدرت و مشروعیت کاربرد زور در ارتباط است؛ لذا بایستی از بالاترین درجه قانون مندی برخوردار باشد تا هم متخلفین به مجازات برسند و هم از فساد سیاسی بر اثر قدرت و حق استفاده انحصاری از زور جلوگیری شود؛ بنابراین دغدغه یک سازمان پلیس کارآمد و مقتدر، قانون گرایی و افزایش ضریب آن است .

قانون مندی در سازمان پلیس دو حوزه اساسی دارد: یکی قانونمندی در داخل سازمان پلیس یعنی مبتنی شدن رفتارها و روابط درونی تشکیلات پلیس بر محور قانون و مقررات باشد و دوم اینکه قانونمندی در تعامل با جامعه داشته باشد، یعنی در اموری مثل کشف، بازرسی، دستگیری، بازجویی و... به صورت قانون مند رفتار نماید. وجود قانون مندی در حوزه نخست باعث افزایش کارایی سازمانی و در حوزه دوم باعث افزایش اعتماد عمومی به پلیس می‌شود. قوانین پلیس در این حوزه با وجود متحول بودن باید از ثبات و تداوم برخوردار باشد.

روش

با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه و تا حدودی گستردگی آن، از آنجا که روش تحقیق مبتنی بر تحلیل پاسخ‌های نمونه‌ای معین به یک رشته پرسش‌هایی که قصد سنجش نگرش‌ها و رفتارها را دارد، می‌باشد و از طرف هدف، داشتن توانایی برای تعمیم یافته‌ها به جمعیت بسیار بزرگ‌تر است، در تحقیق حاضر از روش تحقیق پیمایشی استفاده شده است. در این تحقیق، پس از بررسی ابعاد مطالبات خانوارها از پلیس درباره نظم و امنیت اجتماعی بر اساس شاخص‌های مرتبط مطرح شده در پرسشنامه، سعی شده تا به وسیله آزمون با گویه‌هایی که معرف فرضیات تحقیق هستند، نسبت به ابطال یا اثبات آنها اقدام شود.

جدول ۲. متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیرهای وابسته	متغیرهای مستقل	ردیف
تأمین نظم و امنیت اجتماعی	گسترش هویت مدنی سازمان پلیس	فرضیه اول
تأمین نظم و امنیت اجتماعی	افزایش کارآیی پلیس در سطح جامعه	فرضیه دوم
تأمین نظم و امنیت اجتماعی	برخورداری از اقتدار کافی در انجام مأموریت‌ها	فرضیه سوم
تأمین نظم و امنیت اجتماعی	قانون‌مداری کارکنان پلیس	فرضیه چهارم

جامعه آماری تحقیق حاضر، خانوارهای ساکن در حوزه‌های استحفاظی کلانتری‌های مستقر در شمال شهر تهران می‌باشد که به صورت یک جامعه بزرگ به تعداد ۸۰۰۰۰۰ نفر انتخاب و در نظر گرفته شده است. واحد آماری برای تجزیه و تحلیل در این پژوهش، سرپرستان خانوارهای ساکن شمال شهر تهران بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های خاص افراد مورد اشاره می‌باشد.

برای برآورد حجم نمونه در این تحقیق، از فرمول کوکران استفاده شده است. نظر به اینکه حجم جامعه آماری بزرگ با تعداد ۸۰۰ هزار نفر می‌باشد؛ حداقل حجم نمونه $(Q=0/25, e=0/06, a=0/05)$ استفاده شده است. حجم نمونه ۲۶۷ نفر برآورد گردید که البته پس از اجرای کامل پرسشنامه برخی از آنها به دلیل مخدوش بودن از نمونه حذف گردیده و بدین ترتیب حجم نمونه به ۱۸۸ کاهش یافت.

با توجه به اینکه محدوده مکانی تحقیق حاضر از گستره جغرافیایی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و افراد جامعه آماری و نمونه آن زیاد می‌باشد؛ لذا از پرسشنامه به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده به عمل آمده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در روش توصیفی جداول توزیع فراوانی، درصدها، نمودارهای مربوطه و شاخص‌های گرایش مرکزی و انحرافی اعم از میانگین، میانه، انحراف معیار، واریانس و خطای استاندارد محاسبه شده است.

یافته‌ها

۱- جنس پاسخگویان: از میان ۱۸۸ نفر پاسخگو ۷۴/۷۰ درصد مرد و ۱۹/۲۸ درصد زن می‌باشند؛ بنابراین می‌توان گفت مردان ۴۲/۵۵ درصد بیش از زنان سرپرست خانوار هستند.

۲- سن پاسخگویان: سن ۲۰ سال حداقل و سن ۸۰ سال حداکثر سن پاسخگویان بوده و میانگین سن آنان ۳۹/۰۲ و میانه ۳۸/۵ بوده است.

۳- وضعیت تأهل: ۲۳/۳۹ درصد از پاسخگویان مجرد، ۷۲/۷۸ درصد متأهل، ۲/۱۲ درصد افراد مطلقه و ۱/۰۶ درصد بدون پاسخ بوده‌اند.

۴- سطح تحصیلات پاسخگویان: ۴۷/۸۷ درصد از پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی دیپلم و زیر دیپلم بوده‌اند. ۴۲/۰۱ درصد از افراد پاسخگو دارای مدرک لیسانس و فوق‌دیپلم و مدارک دکتری و فوق‌لیسانس بوده‌اند.

۵- وضعیت اشتغال پاسخگویان: از کل پاسخگویان مورد بررسی؛ ۳۷/۴۰ درصد افراد شاغل (تمام وقت و پاره وقت)، ۹/۵۷ درصد بازنشسته و ۹/۵۷ درصد خانه‌دار، ۶/۳۸ درصد بیکار و ۰/۵۳ از کار افتاده بودند؛ بنابراین می‌توان گفت نزدیک به دوسوم از پاسخگویان دارای مشاغل آزاد و دولتی بوده‌اند و یک‌سوم نیز سایر مقادیر را به خود اختصاص داده‌اند.

۶- نوع اشتغال: ۳۱/۹۱ درصد از پاسخگویان دارای شغل دولتی، ۴۰/۴۲ درصد دارای مشاغل آزاد و ۲۷/۱۲ درصد نیز شغلی غیر از مصادیق مربوط به مشاغل دولتی و آزاد داشته‌اند.

۷- سطح درآمد پاسخگویان: ۵۹ درصد از پاسخگویان دارای سطح درآمد تا میزان چهارصد هزار تومان، ۳۲/۴۳ درصد افراد از چهارصد تا هفتصد هزار تومان درآمد دارند و ۸/۵۱ درصد پاسخگویان دارای سطح درآمد بیشتر از هفتصد هزار تومان می‌باشند. مقادیر فوق نشان می‌دهد که بیش از نیمی از پاسخگویان دارای درآمد کمتر از چهارصد هزار تومان هستند.

۸- بالاترین موقعیت یا مسئولیت: کمتر از یک‌سوم پاسخگویان (۲۳/۳۹ درصد) دارای پست‌های مدیر کلی یا سرپرست شعبه یا اداره بوده‌اند و بیش از دوسوم دارای پست‌های بالای دولتی نبوده‌اند. یک نفر از افراد نیز دارای سمت نمایندگی مجلس یا معاون وزیر بوده است.

در این پژوهش چهار متغیر هویت مدنی، کارآیی، اقتدار و قانون‌مداری سازمان پلیس مورد توجه قرار گرفته است. سطح مطالبات پاسخ‌دهندگان (نمونه تحقیق) در خصوص این چهار متغیر در بخش روش‌های توصیفی مورد بررسی قرار گرفت. حال جهت حصول اطمینان از نتیجه به دست آمده در جامعه تحقیق یا به عبارتی آزمون فرضیات از روش‌های تحلیلی استفاده می‌شود.

فرضیه اول: گسترش هویت مدنی سازمان پلیس از اولویت مطالبات خانوارهای شمال شهر تهران از پلیس در زمینه نظم و امنیت اجتماعی است.

فرضیه دوم: افزایش کارآیی سازمان پلیس در سطح جامعه از اولویت مطالبات خانوارهای شمال شهر تهران از پلیس در زمینه نظم و امنیت اجتماعی است.

فرضیه سوم: برخوردار از اقتدار کافی در انجام مأموریت‌های تأمین نظم عمومی و امنیت اجتماعی از اولویت مطالبات خانوارها از پلیس می‌باشد.

فرضیه چهارم: قانون‌مداری از اولویت مطالبات خانوارهای شمال شهر تهران از پلیس در زمینه نظم و امنیت اجتماعی است.

همان‌گونه که اشاره شده است سؤال‌ها با استفاده از طیف لیکرت طرح گردیده و به هر یک از گزینه‌ها از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم (یا خیلی کم تا خیلی زیاد) به ترتیب ارزش عددی ۱ الی ۵ تعلق می‌گیرد. با توجه به این نمره‌گذاری امکان محاسبه شاخص‌های آماری مربوط به هر یک از سؤال‌ها فراهم می‌شود. این شاخص‌ها شامل شاخص‌های گرایش مرکزی (نظیر میانگین و میانه) و شاخص‌های انحرافی (نظیر واریانس، انحراف معیار و خطای استاندارد) است. باید توجه داشت که حد متوسط نمره در پرسشنامه معادل ارزش عددی ۳ می‌باشد. با مقایسه میانگین نمرات با حد متوسط می‌توان وضعیت کلی متغیرها را مشخص نمود.

از طرف دیگر هر یک از متغیرهای تحقیق (اعم از سطح مطالبه هویت مدنی، کارآیی، اقتدار و قانون‌مداری) با استفاده از تعدادی سؤال مشخص، مورد سنجش قرار گرفته، در ابتدا جمع کل نمره در هر متغیر محاسبه، سپس به‌منظور برابری واحدهای سنجش، جمع کل نمره به تعداد سؤال‌های تشکیل‌دهنده هر متغیر تقسیم و بدین ترتیب نمره به‌دست آمده برای هر متغیر عددی بین یک تا پنج خواهد بود. هر قدر این نمره از عدد سه بالاتر باشد، حاکی از سطح مطالبه بیشتر است و چنانچه این نمره از عدد سه کمتر باشد، حاکی از سطح مطالبه پایین است.

به‌منظور آزمون فرضیات فوق‌الذکر از آزمون Z استفاده شده است. در صورتی که تفاوت بین میانگین محاسبه‌شده با حد متوسط پرسشنامه (یعنی عدد ۳) مثبت بوده و آزمون Z حداقل در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/0$) معنادار باشد، در این صورت می‌توان نتیجه گرفت که میزان مطالبه خانوارها در حد زیاد و خیلی زیاد (بیشتر از متوسط) بوده است و برعکس اگر میانگین محاسبه‌شده به‌طور معناداری کمتر از حد متوسط باشد، حاکی از پایین بودن سطح مطالبه آنهاست.

عدم رد فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد نیز به معنی آن است که سطح مطالبه در حد متوسط بوده است. نتایج حاصل از آزمون چهار فرضیه یادشده در جدول ملاحظه می شود:

جدول ۳. شاخص های آماری و آزمون Z مربوط به هریک از متغیرهای تحقیق

متغیرها	تعداد	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	واریانس	انحراف معیار	خطای استاندارد	نمره ملاک	Z یا t	df	سطح خطا P
هویت مدنی	۱۸۸	۳/۶۵	۳/۶۷	۲/۲۵	۴/۷۵	۰/۲۱	۰/۴۶	۰/۰۳	۳/۰۰	۱۹/۵	۱۸۷	۰
کارآیی	۱۸۸	۳/۷۴	۳/۵۵	۲/۴۵	۴/۹۱	۰/۴۱	۰/۶۴	۰/۰۵	۳/۰۰	۱۵/۸	۱۸۷	۰
اقتدار	۱۸۸	۳/۸۴	۲/۸۶	۲/۴۳	۴/۶۴	۰/۱۷	۰/۴۱	۰/۰۳	۳/۰۰	۲۷/۸	۱۸۷	۰
قانون مداری	۱۸۸	۳/۹۰	۴/۰۰	۲/۷۵	۴/۸۸	۰/۱۶	۰/۴۱	۰/۰۳	۳/۰۰	۳۰/۵	۱۸۷	۰

شاخص های آماری و آزمون Z مربوط به هریک از متغیرهای تحقیق

۱- میانگین امتیاز مطالبه هویت مدنی (فرضیه اول) برابر ۳/۶۵ با انحراف معیار ۰/۴۶ است. بدین ترتیب به نظر می رسد میزان مطالبات هویت مدنی مردم از پلیس در حد بالاتر از متوسط (زیاد و خیلی زیاد) است. این نتیجه در نمونه تحقیق صادق است و جهت حصول اطمینان از نتیجه به دست آمده در جامعه آماری باید آزمون به عمل آورد. همان طور که مشاهده می شود، Z محاسبه شده برابر ۱۹/۵۰ است که با درجه آزادی ۱۸۷ در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha = 0/0$) معنادار است. یعنی تفاوت معناداری بین میانگین محاسبه شده با نمره حد متوسط (یعنی عدد ۳) در این سطح اطمینان وجود دارد. به عبارتی دیگر مشخص می گردد که گسترش هویت مدنی پلیس از اولویت مطالبات خانوارهای شمال شهر تهران در زمینه نظم و امنیت اجتماعی است و بدین ترتیب فرضیه اول تحقیق تأیید می گردد.

۲- در خصوص فرضیه دوم، میانگین مطالبه کارآیی (فرضیه دوم) برابر ۳/۷۴ با انحراف معیار ۰/۶۴ است. این میانگین از حد متوسط بالاتر می باشد. از طرف دیگر نتایج آزمون آماری Z نشان می دهد که Z محاسبه شده برابر ۱۵/۸ است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha = 0/0$) معنادار می باشد. بدین ترتیب فرض صفر آماری رد و فرضیه تحقیق تأیید می گردد. یعنی مشخص می شود

در این سطح اطمینان افزایش کارآیی پلیس در سطح جامعه از اولویت مطالبات خانوارهای ساکن شمال شهر تهران است.

۳- میانگین محاسبه شده برای میزان مطالبه‌اقتدار پلیس (فرضیه سوم) برابر $3/86$ با انحراف معیار $0/41$ است. این میانگین نیز در حد بالاتر از متوسط می‌باشد یعنی به نظر می‌رسد که میزان مطالبه‌اقتدار در حد بالای متوسط (زیاد و خیلی زیاد) است. نتایج آزمون Z نیز تأییدکننده این مطلب در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha=0/0$) است. بدین ترتیب مشخص می‌شود که برخورداری از اقتدار کافی در انجام مأموریت و وظایف مربوط به تأمین نظم و امنیت اجتماعی از اولویت مطالبات خانوارهای ساکن شمال شهر تهران از پلیس است.

۴- میانگین و انحراف معیار نمرات محاسبه شده برای مطالبه‌قانون‌مداری (فرضیه چهارم) به ترتیب برابر $3/90$ و $0/41$ است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد میزان مطالبات مردم از قانون‌مداری پلیس در حد بالاتر از متوسط است. نتایج آزمون Z نیز نشان می‌دهد این میانگین به‌طور معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد از حد متوسط (که دارای ارزش عددی ۳ می‌باشد) بزرگ‌تر است؛ پس فرضیه چهارم تحقیق نیز در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد.

سطح مطالبات شهروندان در زمینه نظم و امنیت اجتماعی

حال سؤال اساسی این است که آیا بین میزان مطالبات هر یک از عوامل یعنی هویت مدنی، اقتدار، کارآیی و قانون‌مداری تفاوت وجود دارد؟ یا به عبارتی سطح مطالبه کدام عامل در بین شهروندان بیشتر بوده است؟ برای پاسخگویی به این پرسش از آزمون فریدمن (که نوعی تحلیل واریانس ناپارامتری است) استفاده گردید. نتایج این آزمون در جدول (۴) ملاحظه می‌شود:

جدول ۴. نتایج آزمون فریدمن در خصوص مقایسه سطح مطالبه عوامل نظم و امنیت اجتماعی

متغیرها	میانگین رتبه‌ها	جمع رتبه‌ها	میانگین	انحراف معیار
هویت مدنی	۲/۰۳	۳۸۱/۵۰	۳/۶۵	۰/۴۶
کارآیی	۲/۴۲	۴۵۵/۵۰	۳/۷۴	۰/۶۴
اقتدار	۲/۶۱	۴۹۰/۵۰	۳/۸۴	۰/۴۱
قانون‌مداری	۲/۹۴	۵۵۲/۵۰	۳/۹۰	۰/۴۱

نتایج حاکی از آن است که مجذور کای (خی دو) محاسبه شده برابر $49/20$ می باشد که با توجه به درجه آزادی ۳ در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha=0/0$) معنادار است و بدین ترتیب مشخص می شود که تفاوت معنی درای بین میزان مطالبات شهروندان در هر متغیر وجود دارد. با توجه به نتایج ملاحظه می گردد که سطح و اندازه مطالبات مردم به یک اندازه نیستند. همچنین با توجه به میانگین رتبه های محاسبه شده مشخص می گردد که عامل قانونمداری دارای بالاترین سطح مطالبه است و پس از آن به ترتیب اقتدار و کارآیی قرار دارند. نکته جالب آن است که کمترین تأثیر نیز مربوط به هویت مدنی می باشد.

بحث و نتیجه گیری

پس از انجام تجزیه و تحلیل های آماری توصیفی و آماری استنباطی، نتایجی به دست آمد که ماحصل آن به صورت ذیل می باشد:

۱- با توجه به اینکه برای آزمون فرضیات تحقیق از آزمون Z یا T تک نمونه ای استفاده شده و تفاوت بین میانگین محاسبه شده با حد متوسط پرسشنامه (عدد ۳) مثبت می باشد و این آزمون حداقل در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha = 0/05$) معنادار می باشد می توان نتیجه گرفت که میزان مطالبه خانوارها در هر چهار مقوله هویت مدنی، کارآیی، اقتدار و قانونمندی در حد زیاد و خیلی زیاد (بیشتر از متوسط) می باشد.

۲- برای رسیدن به اینکه سطح مطالبه کدام عامل در بین شهروندان سرپرست خانوار بیشتر است، پس از انجام آزمون فریدمن که یک نوع تحلیل واریانس ناپارامتری است، نتایج حاکی از آن بود که مجذور کا (خی دو) محاسبه شده برابر $49/20$ با توجه به درجه آزادی ۳ در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha = 0/01$) معنادار است. نتایج نشان می داد که سطح و اندازه مطالبات خانوارها به یک میزان نیستند. با توجه به میانگین رتبه های محاسبه شده مشخص گردید که عامل قانونمداری دارای بالاترین سطح مطالبه است و پس از آن به ترتیب اقتدار و کارآیی پلیس قرار دارند. نکته قابل توجه در این خصوص کمترین میزان تأثیر مربوط به هویت مدنی سازمان پلیس می باشد.

پلیس در انجام اصلی‌ترین مأموریت خود؛ یعنی تأمین نظم و امنیت اجتماعی نیازمند حمایت همگانی به‌ویژه شهروندان است که در صورت جلب اعتماد و برقراری رابطه صمیمی و تعاملی که آن هم در صورت بهره‌مندی سازمان پلیس از کارآیی مناسب، برخورداری از اقتدار کافی، قانون‌مدار بودن در عرصه فعالیت‌ها و اقدامات و نیز رویکرد هویت مدنی و گسترش آن حاصل خواهد شد، می‌تواند این ادعا را داشته باشد که به دو مقوله اساسی تأمین نظم و برقراری امنیت در جهت آرامش شهروندان اقدام نماید. تحقیق حاضر نیز با هدف تعیین نوع مطالبات خانوارهای ساکن در یکی از مناطق تهران (شمال تهران) و نیز تعیین اولویت مطالبات شهروندان از پلیس دارای نتیجه کلی ذیل است:

سرپرستان خانوار این حوزه از شهر تهران در میان مطالبات خود اولویت نخست را به قانون‌مداری پلیس اختصاص داده‌اند. آنان انتظار دارند و می‌خواهند که پلیس در صحنه عمل و در میدان انجام مأموریت‌های پلیسی خود در راستای تأمین نظم و امنیت اجتماعی به وجوه قانونی روی آورده و از توسل به راه‌های غیر قانونی که باعث تضییع حقوق شهروندان در ابعاد انتظامی و امنیتی خواهد گردید اجتناب نماید. در اولویت بعدی، شهروندان خواهان یک پلیس مقتدر در انجام وظایف و مأموریت‌های محوله می‌باشند. آنان توقع دارند پلیس با برخورداری از قدرت کافی در برخورد با جرایم، افزایش نیرو و بهره‌گیری از تجهیزات و فناوری نوین پلیسی، اعتماد شهروندان را به خود جلب نموده و باعث حفظ آرامش و امنیت خانواده‌ها گردد. مطالبه بعدی آنان افزایش کارآیی پلیس در سطح جامعه بود. شهروندان انتظار دارند پلیس با بهره‌مندی از نیروهای تخصصی خود و تعامل با محیط‌های علمی و دانشگاهی و تجهیز به اصول و فنون روز، ضمن به‌دست آوردن مهارت و کاردانی بتواند سرعت در کشف و کنترل جرم را افزایش دهد و بالأخره اینکه مردم به میزان زیادی خواهان پاسخگویی پلیس در قبال اقدامات خود، در دسترس شهروندان قرار داشتن و نیز رفتاری مناسب با شأن شهروندان از سوی پلیس را خواستار می‌باشند.

پیشنهادها:

براساس نتایج حاصل از تحقیق حاضر، پیشنهادهایی از دو جنبه پژوهشی و عملی ارائه می‌گردد که رعایت و توجه به آنها می‌تواند کمک شایانی به پلیس در جهت انجام هرچه بهتر مأموریت‌ها و

وظایف محوله به منظور تأمین نظم و امنیت شهروندان باشد.

با عنایت به اینکه مطالبات و حقوق شهروندی از موضوعات جدید در فضای اجتماعی کشورمان می‌باشد و به تبع آن بررسی انتظارات و خواسته‌های شهروندان از پلیس درباره دو مقوله اساسی نظم و امنیت اجتماعی نیز چنین وضعیتی خواهد داشت لذا پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- فراتر از انجام پژوهش‌های دانشجویی درباره مطالبات خواسته‌های شهروندان که مشتری پلیس در تأمین نظم و امنیت هستند تحقیقات منسجم، سازمان‌یافته و فراگیری انجام گردد که در این صورت گام‌های مناسبی در جهت افزایش مشارکت‌های مردم با پلیس برداشته می‌شود.
- ۲- دانشگاه علوم انتظامی (دافوس ناجا) به‌عنوان عالی‌ترین مرکز آموزش عالی در سازمان پلیس کشور و نیز معاونت اجتماعی ناجا به‌عنوان بدنه اصلی ناجا در ارتباط و تعامل با مردم، با تحقیق و پژوهش ابعاد مختلف مقوله‌هایی چون قانون‌مداری در حوزه‌های عملکردی پلیس، راه‌های افزایش اقتدار پلیس، تجهیز پلیس به ظرفیت‌های مختلف علمی در کشور و بهره‌مندی از توان تخصصی بالا به تقاضاهای مشروع آنان و نیز تأمین آسایش مردم پاسخ داده تا بدین‌وسیله بتوانند با عملی کردن ایده‌های نظری به‌دست‌آمده از پژوهش رضایت آنان را جلب نمایند. این موضوع خود باعث افزایش اعتماد اجتماعی مردم به پلیس خواهد شد.
- ۳- از آنجا که محقق فقط به بررسی برخی از ابعاد مطالبات شهروندان پرداخته و آنها را مورد سنجش قرار داده است؛ لذا برای عمومی کردن امنیت اجتماعی و نیز تأمین نظم در میان آحاد افراد جامعه، نیازمند بررسی و کنکاش نسبت به سایر مطالبات مردم از پلیس می‌باشد و امید است این مجال برای اندیشمندان عرصه پژوهش و تحقیق فراهم گردد.
- ۴- از آنجا که قانون‌مداری کارکنان پلیس در انجام مأموریت‌ها و وظایف محوله در میان مطالبات شهروندان از پلیس در زمینه تأمین نظم و امنیت اجتماعی در اولویت نخست قرار دارد، پیشنهاد می‌گردد واحدی درسی در سطوح مختلف در خصوص آموزش و توجیه کارکنان پلیس در رده‌های گوناگون به مراتب قواعد و قوانین حقوقی خود پلیس و نیز شهروندان که تعامل این دو باعث نهاده شدن نظم و امنیت خواهد گردید، تعیین، ابلاغ و آموزش داده شود تا بدین‌وسیله افراد پلیس از توسل به شیوه‌های غیر قانونی خودداری نمایند. طبیعی است

برخوردهای قانونی پلیس با شهروندان باعث افزایش احساس امنیت در مراکز انتظامی و حفظ حریم خصوصی و عمومی خانواده‌ها خواهد گردید. به نظر می‌رسد مسئولیت این کار اساسی در وهله نخست به عهده دانشگاه علوم انتظامی و معاونت آموزش ناجا می‌باشد.

۵- با توجه به اینکه خواسته شهروندان، برخورداری از اقتدار کافی در انجام مأموریت‌ها و وظایف پلیسی می‌باشد پیشنهاد می‌گردد سازمان پلیس با افزایش توان، نیرو و تجهیزات نوین پلیسی و نیز اعمال قدرت کافی در برخورد با مجرمین و متخلفین و حضور به‌موقع در صحنه‌های جرم، اعتماد شهروندان را به خود جلب نموده تا بدین وسیله موجبات حفظ آرامش و امنیت خانواده‌ها فراهم گردد.

۶- نظر به اینکه افزایش کارایی پلیس در سطح اجتماع منجر به بالا رفتن سرعت کشف و کنترل جرایم خواهد گردید پیشنهاد می‌گردد در این راستا و به منظور تأمین نظم و امنیت اجتماعی، سازمان پلیس به نیروهای فنی و تخصصی خود که در ارتباط تنگاتنگ با مردم هستند، توجه بیشتری قائل گردیده و آنها را با آخرین تکنیک‌ها، اصول و فنون روز آشنا نموده تا با تلفیقی از مهارت و کاردانی آنان و نیز تکنیک‌های مورد نظر، میزان سرعت در کشف و کنترل جرم ارتقا داده شود. این امر، بیشتر از همه، متوجه معاونت‌های آگاهی و آموزش ناجا می‌باشد تا با کیفی‌سازی، اقدامات بهینه‌ای در کشف جرایم و مقابله با قانون‌شکنان و بزهکاری داشته باشند. لازمه این امر، برقراری واحدهای درسی در سطوح مختلف و ارائه آن به رده‌های گوناگون پلیس تحت عنوان «حقوق شهروندان از منظر پلیس یا «حقوق اجتماعی - مدنی و انتظامی شهروندان» می‌باشد. ایجاد چنین شرایطی، باعث تقویت سایر ابعاد مطالبات مردم از جمله افزایش کارایی پلیس، برخورداری از اقتدار کافی و قانون‌مدرای پلیس خواهد گردید.

منابع

منابع فارسی
قرآن کریم
قانون اساسی

الموسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۶). صحیفه نور، ج ۲، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (ره)
خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹). راهبردهای ولایت. دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری

- آقابخشی، علی (۱۳۶۳). فرهنگ علوم سیاسی، (انگلیسی به فارسی) انتشارات تندر.
- افتخاری اصغر (۱۳۸۴). «ساختار اجتماعی امنیت، مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران»، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی (شماره یک)، تهران، انتشارات گلپونه.
- بیرو، الن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم/اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان.
- پورموسوی، موسی، بختیاری پور، علی (۱۳۸۱). شهرها و امنیت ملی، معاونت امنیتی انتظامی وزارت کشور، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، ج ۲.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۶). مدخلی بر مفاهیم و رویکردهای امنیت ملی، معاونت امنیتی انتظامی وزارت کشور، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، ج ۲، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی جلیبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- زاهدی، محمد (۱۳۷۵). توسعه و امنیت عمومی. معاونت امنیتی انتظامی وزارت کشور، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، ج ۱۱.
- شاگری، سیدرضا (۱۳۸۱). پلیس، مردم و امنیت عمومی، معاونت سیاسی ساعس ناجا، انتشارات ساعس ناجا، تهران
- عمید، حسن (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۵). فقه سیاسی، ج اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کریمایی، علی (۱۳۸۹). نقش ناجا در تأمین امنیت اجتماعی (رساله دکتری) تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی (پژوهشکده مطالعات راهبردی، مترجم). انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، تهران.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۷۸). بررسی و تبیین مفاهیم نظم، امنیت و آسایش عمومی و فردی. فصلنامه دانش انتظامی. (۲) انتشارات دانشگاه علوم انتظامی ناجا.